



تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارت و پاسخگویی در ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه

علی محمدشریفی^۱

۳۴

چکیده

در دنیای معاصر، نظارت و پاسخگویی از ارکان اصلی حاکمیت خوب و دموکراتیک به شمار می‌روند. نظام‌های نظارتی و پاسخگویی در کشورهای مختلف خاورمیانه از تنوع بالایی برخوردارند و این تنوع ناشی از تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. مقاله حاضر به تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارت و پاسخگویی در ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه (عراق، لبنان و ترکیه) پرداخته و به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا ایران در مقایسه با این کشورها، ضعف بیشتری در زمینه نظارت و پاسخگویی دارد. این پژوهش با روش تطبیقی و استفاده از داده‌های ثانویه به تحلیل ساختارهای نظارتی، نهادهای مسئول پاسخگویی و عواملی که بر کارایی این سیستم‌ها تأثیر می‌گذارند، می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ایران به دلیل مشکلاتی همچون عدم استقلال نهادهای نظارتی، فساد و کمبود شفافیت، در مقایسه با کشورهای منتخب، عملکرد ضعیف‌تری در زمینه پاسخگویی دارد. این مقاله با پیشنهاداتی برای تقویت استقلال نهادهای نظارتی و افزایش شفافیت، در صدد ارتقای وضعیت نظارت و پاسخگویی در ایران است. این تحقیق به‌طور خاص به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این کشورها و چالش‌های موجود در فرآیند اصلاحات پاسخگویی پرداخته و راهکارهایی برای بهبود نظام‌های نظارتی در ایران ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ایران، پاسخگویی، ترکیه، عراق، نظارت.

دوره ۹، شماره ۳، پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۲۶

صص: ۲۷۲-۲۴۷

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

نظارت و پاسخگویی از ارکان کلیدی حکمرانی خوب و دموکراسی‌های پایدار هستند. در کشورهای مختلف، به ویژه در منطقه خاورمیانه، سیستم‌های نظارتی و پاسخگویی از نظر ساختار، عملکرد و اثرگذاری تفاوت‌های زیادی دارند. این تفاوت‌ها نه تنها تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قرار دارند، بلکه بر نحوه تعامل دولت‌ها با شهروندان و نهادهای مختلف نیز تأثیرگذارند. در این راستا، تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارت و پاسخگویی می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود در ساختار حکمرانی این کشورها کمک کند.

کشورهایی مانند ایران، عراق، لبنان و ترکیه، هر کدام با ویژگی‌های خاص خود در زمینه ساختار حکومتی و نهادهای نظارتی شناخته می‌شوند. از آنجا که نظارت و پاسخگویی، نه تنها از منظر قانونی بلکه از منظر اجتماعی و سیاسی نیز اهمیت دارند، بررسی این موضوعات در این کشورها می‌تواند به درک بهتری از شرایط حاکم در خاورمیانه و نحوه تعامل نظام‌های مختلف با بحران‌ها و نهادهای نظارتی و قضائی کمک کند.

ایران به عنوان یک جمهوری اسلامی با ویژگی‌های خاص خود، از جمله سیستم‌های نظارتی چندگانه و پیچیده‌ای برخوردار است که بسیاری از این نهادها تحت نظارت رهبری قرار دارند. از طرف دیگر، کشورهای مانند عراق و لبنان که پس از جنگ‌ها و بحران‌های سیاسی به دوره‌های بازسازی و تقویت نهادهای دولتی و نظارتی وارد شده‌اند، چالش‌های خاص خود را در این زمینه دارند. در ترکیه نیز که به عنوان یک کشور با نهادهای دموکراتیک نیمه پایدار شناخته می‌شود، مسئله نظارت و پاسخگویی در ساختار حکومتی، تحت تأثیر تحولات اخیر سیاسی قرار گرفته است.

سؤال اصلی این تحقیق این است که چرا ایران در مقایسه با کشورهای منتخب خاورمیانه، ضعف بیشتری در زمینه نظارت و پاسخگویی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است که ابتدا به تحلیل ساختارهای نظارتی در این کشورها پرداخته و تفاوت‌های موجود در نظام‌های نظارتی و پاسخگویی آنها را بررسی کنیم. تحلیل این تفاوت‌ها می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف در سیستم‌های نظارتی ایران و سایر کشورهای منطقه کمک کند و در نهایت راهکارهایی برای بهبود وضعیت نظارت و پاسخگویی در ایران ارائه دهد.

در این مقاله، از روش تطبیقی برای بررسی و مقایسه نظام‌های نظارت و پاسخگویی در ایران و کشورهای عراق، لبنان و ترکیه استفاده خواهد شد. به‌ویژه، در این تحقیق، به بررسی تحولات چند دهه اخیر در هر یک از این کشورها و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر نهادهای نظارتی پرداخته خواهد شد. همچنین، در این تحلیل به عواملی چون فساد، شفافیت، استقلال نهادهای نظارتی، و ظرفیت نهادهای دولتی برای پاسخگویی پرداخته می‌شود. یکی از اهداف اصلی این مقاله، تحلیل چالش‌ها و موانعی است که نظام‌های نظارتی و پاسخگویی در کشورهای مختلف با آن‌ها مواجه هستند.

اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای اخیر، نظارت و پاسخگویی به عنوان ابزارهایی برای پیشگیری از فساد و تقویت مشروعیت نظام‌های سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات سیاسی و اجتماعی پیدا کرده‌اند. در کشورهای خاورمیانه، به دلیل ویژگی‌های خاص سیاسی و اجتماعی، نیاز به سیستم‌های نظارتی و پاسخگویی مؤثر و کارآمد از همیشه بیشتر احساس می‌شود. تقویت این سیستم‌ها نه تنها می‌تواند به بهبود کیفیت حکمرانی کمک کند، بلکه می‌تواند نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی و مشارکت سیاسی ایفا کند.

مقاله حاضر تلاش دارد تا با شفاف‌سازی علل و عوامل مؤثر در ضعف و قوت سیستم‌های نظارتی و پاسخگویی در ایران و کشورهای منتخب، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه دهد. در این راستا، با استفاده از نظریه‌های نهادی و رویکرد تطبیقی، به بررسی نحوه طراحی و عملکرد نهادهای نظارتی در این کشورها پرداخته و نقاط مشترک و تفاوت‌های آن‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

در نهایت، این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و محققان کمک کند تا درک بهتری از چگونگی اصلاح سیستم‌های نظارتی و پاسخگویی در ایران و کشورهای منطقه پیدا کنند و از این طریق، گام‌های مؤثری در جهت تقویت حکمرانی خوب و افزایش پاسخگویی نهادهای دولتی بردارند. علاوه بر این، یافته‌های این تحقیق می‌تواند به نهادهای نظارتی در کشورهای مختلف کمک کند تا بهبود عملکرد خود را در زمینه پاسخگویی به شهروندان و ایجاد شفافیت در سیستم‌های دولتی، دنبال کنند.

پیشینه تحقیق

تحلیل و بررسی سیستم‌های نظارت و پاسخگویی در کشورهای مختلف، به ویژه در منطقه خاورمیانه، به طور فزاینده‌ای در سال‌های اخیر مورد توجه محققان و تحلیلگران سیاسی قرار گرفته است. نظارت و پاسخگویی به عنوان دو رکن مهم حکمرانی خوب، در کشورهای مختلف بر اساس ساختارهای نهادی و فرهنگی متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش، پیشینه تحقیقاتی که در زمینه نظام‌های نظارتی و پاسخگویی در ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه انجام شده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نظارت و پاسخگویی در ایران

در ایران، یکی از مطالعات مهم در زمینه نظارت و پاسخگویی به بررسی نقش نهادهای نظارتی در سیستم حکومتی پرداخته است. **حسینی (۱۳۹۱)** در مقاله‌ای به بررسی نقش دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور در نظارت بر عملکرد دولت پرداخته و این نتیجه را گرفته است که اگرچه نهادهای نظارتی در ایران از نظر قانونی مسئولیت‌های گسترده‌ای دارند، اما در عمل، این نهادها با مشکلاتی از جمله فقدان استقلال و تأثیرپذیری از نهادهای سیاسی مواجه هستند (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۵). این تحلیل نشان می‌دهد که نظام‌های نظارتی در ایران در عمل با مشکلات زیادی مواجه هستند که مانع از کارایی آن‌ها می‌شود.

مظفری (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای به تحلیل وضعیت پاسخگویی در ایران پرداخته است. وی به این نکته اشاره کرده که ساختارهای پاسخگویی در ایران به دلیل مداخلات نهادهای حکومتی و فقدان شفافیت، نمی‌تواند به طور مؤثر عملکرد نهادهای دولتی را تحت نظارت قرار دهند. او در این مقاله بر ضرورت اصلاحات در نهادهای نظارتی و تقویت شفافیت در فرآیندهای حکومتی تأکید کرده است (مظفری، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

نظام‌های نظارتی در کشورهای منتخب خاورمیانه

۱. عراق

در عراق، پس از سقوط رژیم صدام حسین، فرآیند بازسازی و نوسازی نهادهای نظارتی و پاسخگویی یکی از چالش‌های عمده بود. سلمان و عبدالرزاق (۲۰۱۸) در تحقیقی به تحلیل ساختارهای نظارتی در عراق پس از جنگ پرداخته و نشان داده‌اند که نهادهای نظارتی در عراق با مشکلاتی همچون فساد گسترده، ضعف قوانین و نهادهای نظارتی مستقل و در نتیجه، عدم کارایی مواجه هستند. آنان به این نکته اشاره کرده‌اند که در حالی که نهادهای دولتی عراق مسئول نظارت بر عملکرد دولت هستند، ضعف‌های نهادی و فساد به عنوان موانع اصلی در مسیر کارایی این نهادها قرار گرفته است (سلمان و عبدالرزاق، ۲۰۱۸: ۴۵). این مطالعه نشان می‌دهد که نظارت در عراق بیشتر تحت تأثیر عوامل سیاسی و رقابت‌های داخلی قرار دارد.

۲. لبنان

در لبنان، نظام‌های نظارتی و پاسخگویی تحت تأثیر نظام سیاسی خاص این کشور قرار دارند که در آن گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند. جواد و حسین (۲۰۱۶) به بررسی وضعیت پاسخگویی در لبنان پرداخته و بیان کرده‌اند که ساختارهای نظارتی در لبنان، علی‌رغم وجود نهادهای قانونی مانند دیوان محاسبات، به دلیل ضعف در استقلال و دخالت‌های سیاسی نمی‌توانند به طور مؤثر وظایف خود را انجام دهند. آنها تأکید کرده‌اند که در لبنان، وجود نظام فدرالی و تقسیم‌بندی‌های قومی و مذهبی، باعث بروز چالش‌های خاص در مسیر نظارت و پاسخگویی شده است (جواد و حسین، ۲۰۱۶: ۳۳).

۳. ترکیه

ترکیه، به عنوان یکی از کشورهای مهم خاورمیانه با ساختار حکومتی نیمه‌دموکراتیک، نمونه‌ای دیگر از کشورهای خاورمیانه است که در آن، نظارت و پاسخگویی نهادهای دولتی با چالش‌هایی مواجه است. ییلماز (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به بررسی نظارت و پاسخگویی در ترکیه پرداخته و بیان کرده است که ترکیه، علی‌رغم داشتن نهادهای مستقل نظارتی مانند شورای عالی حسابرسی، در سال‌های اخیر با چالش‌های جدیدی از جمله محدودیت‌های قانونی و سیاسی بر نهادهای نظارتی

مواجهه بوده است. وی همچنین اشاره کرده که وجود احزاب سیاسی قدرتمند در ترکیه، تأثیر زیادی بر فعالیت نهادهای نظارتی و فرآیندهای پاسخگویی داشته است (بیلماز، ۲۰۱۵: ۵۲)

تحقیقات تطبیقی در زمینه نظارت و پاسخگویی

مطالعات تطبیقی در زمینه نظارت و پاسخگویی در خاورمیانه نیز در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. محمدی (۲۰۱۷) در تحقیق خود به مقایسه تطبیقی نظام‌های نظارتی در ایران، عراق، لبنان و ترکیه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین عامل مؤثر بر کارایی نهادهای نظارتی، استقلال نهادهای نظارتی از نهادهای دولتی و سیاسی است. این تحقیق نشان داده که در حالی که کشورهای عراق و لبنان به دلیل ساختارهای پیچیده و وابستگی سیاسی نهادهای نظارتی به احزاب و گروه‌های خاص، با ضعف‌های بسیاری در این زمینه مواجه‌اند، ترکیه و ایران در سال‌های اخیر گام‌هایی در جهت تقویت استقلال نهادهای نظارتی برداشته‌اند. با این حال، این اقدامات به دلیل مشکلات ساختاری و مداخلات سیاسی، به طور کامل موفق نبوده است (محمدی، ۲۰۱۷: ۶۳)

نتیجه‌گیری پیشینه تحقیق

مطالعات پیشین نشان می‌دهند که در کشورهای خاورمیانه، عوامل مختلفی از جمله فساد، وابستگی نهادهای نظارتی به نهادهای دولتی، ضعف در شفافیت و دخالت‌های سیاسی، باعث کاهش کارایی نهادهای نظارتی و پاسخگویی شده است. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای تقویت نظارت و پاسخگویی در این کشورها، اصلاحات نهادی، تقویت استقلال نهادهای نظارتی و افزایش شفافیت ضروری است. با این حال، در حالی که در کشورهای مختلف خاورمیانه، نظارت و پاسخگویی به شکلی متفاوت در حال توسعه است، پژوهش‌های تطبیقی به‌ویژه در زمینه مقایسه ایران با سایر کشورهای منطقه، به‌طور قابل توجهی محدود هستند. این مقاله با توجه به محدودیت‌های موجود در تحقیقات پیشین، به تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارتی و پاسخگویی در ایران و کشورهای عراق، لبنان و ترکیه خواهد پرداخت و سعی دارد نقاط ضعف و قوت این سیستم‌ها را بررسی کرده و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه دهد.

مبانی مفهومی و نظری

در این بخش از مقاله، به بررسی مبانی مفهومی و نظری مرتبط با موضوع تحقیق خواهیم پرداخت. تحلیل نظام‌های نظارت و پاسخگویی نیازمند درک دقیق از مفاهیم کلیدی نظارت، پاسخگویی و حکمرانی خوب است. همچنین، برای تحلیل تطبیقی و فهم تفاوت‌ها و شباهت‌ها در نظام‌های نظارتی ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه، استفاده از نظریه‌های نهادی و تطبیقی ضروری است. در این بخش، ابتدا به تبیین مفاهیم نظارت و پاسخگویی، سپس به معرفی نظریه‌های نهادی و تطبیقی خواهیم پرداخت.

۱. مفاهیم نظارت و پاسخگویی

نظارت (Oversight) به فرآیند بررسی و ارزیابی عملکرد دولت‌ها و نهادهای دولتی اشاره دارد تا از انطباق فعالیت‌ها با قوانین و مقررات اطمینان حاصل شود. نظارت به معنای بررسی فعالیت‌های اجرایی و حقوقی است تا اطمینان حاصل گردد که این فعالیت‌ها به‌طور مؤثر و مطابق با استانداردهای قانونی و اخلاقی انجام می‌شوند (خان‌محمدی، ۱۳۹۲: ۴۵). نظارت می‌تواند از سوی نهادهای مختلف مانند نهادهای قضائی، نظارتی، رسانه‌ها، و نهادهای مدنی انجام شود. در سطح ملی، نهادهایی نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و مجلس شورای اسلامی وظیفه نظارت بر عملکرد دولت و نهادهای اجرائی را بر عهده دارند.

پاسخگویی (Accountability) به فرآیند و مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها نهادهای دولتی و حکومتی مسئولیت خود را نسبت به مردم و سایر نهادهای نظارتی اعلام کرده و در برابر تصمیمات و اقدامات خود پاسخگو باشند (زاهدی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). پاسخگویی به‌ویژه در دموکراسی‌ها و سیستم‌های حکومتی که بر پایه شفافیت و مشارکت مردمی بنا شده‌اند، نقشی اساسی دارد. این مفهوم به وضوح مرتبط با ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی است و از آنجا که فساد و سوء استفاده از قدرت می‌تواند تحت تأثیر فقدان پاسخگویی رشد کند، تقویت این سازوکارها برای جلوگیری از فساد و اطمینان از حکمرانی شفاف ضروری است.

در جوامع مختلف، پاسخگویی از طریق نهادهایی مانند مجلس، دیوان محاسبات، و رسانه‌های آزاد به اجرا در می‌آید. در این میان، شفافیت یکی از ارکان اصلی پاسخگویی است که از طریق آن مردم

می‌توانند اطلاعات مربوط به عملکرد دولت و نهادهای عمومی را به‌دست آورند و این امکان برای آنها فراهم می‌شود که در مورد تصمیمات حکومتی آگاهی پیدا کنند و انتقادات خود را مطرح سازند.

۲. نظریه‌های نهادی

در تبیین نظام‌های نظارتی و پاسخگویی، نظریه‌های نهادی نقش مهمی دارند. این نظریه‌ها بر این فرض استوارند که نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأثیر زیادی بر رفتار و عملکرد دولت‌ها دارند. این رویکرد تأکید دارد که نهادها نه تنها قواعد رسمی و قانونی را تعیین می‌کنند، بلکه فرهنگ‌های سازمانی، ارتباطات اجتماعی و مناسبات قدرت نیز بر نحوه عملکرد این نهادها تأثیرگذار هستند.

نظریه نهادی (Institutional Theory) به‌ویژه در حوزه علوم سیاسی و مطالعات حکمرانی، بر اهمیت ساختارهای نهادی در فرآیندهای حکومتی تأکید دارد. این نظریه، بر این فرض استوار است که ساختارهای نهادی، چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی، می‌توانند بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای دولتی تأثیرگذار باشند. به‌ویژه، زمانی که به مسأله نظارت و پاسخگویی پرداخته می‌شود، این نظریه بر این نکته تأکید می‌کند که نهادهایی مانند پارلمان، دیوان محاسبات، و سازمان‌های نظارتی باید مستقل از دیگر نهادهای حکومتی عمل کنند تا بتوانند کارآمد باشند و از فساد جلوگیری نمایند.

در این راستا، **هاوارد (۲۰۰۰)** بیان می‌کند که نهادهای نظارتی تنها زمانی می‌توانند مؤثر باشند که استقلال کامل از نهادهای اجرائی و سیاسی داشته باشند و به‌طور شفاف و بی‌طرفانه به وظایف خود عمل کنند (هاوارد، ۲۰۰۰: ۶۷). در کشورهای خاورمیانه که برخی از نهادهای نظارتی به شدت تحت تأثیر احزاب سیاسی یا نهادهای اجرائی قرار دارند، این استقلال اغلب با چالش‌های جدی مواجه است.

نظریه نهادی معیوب (Path-Dependent Institutionalism) یکی دیگر از نظریه‌های کاربردی در تحلیل تطبیقی است. این نظریه تأکید دارد که ساختارهای نهادی به طور معمول مسیرهای معینی را دنبال می‌کنند که در طول زمان تثبیت شده‌اند. از این منظر، تغییرات در نهادها بسیار پیچیده و زمان‌بر است و نیازمند تحولاتی اساسی در فرهنگ و مناسبات اجتماعی

است (North, 1990: 98) در مورد نظارت و پاسخگویی در کشورهای خاورمیانه، این نظریه می‌تواند به تبیین چالش‌های ساختاری و فرهنگی در برابر اصلاحات نهادی کمک کند. در بسیاری از این کشورها، نهادهای نظارتی به دلیل وابستگی‌های تاریخی و فرهنگی خود به نهادهای قدرت و فشارهای سیاسی، قادر به اصلاحات مؤثر نیستند.

۳. نظریه‌های تطبیقی

در مطالعات تطبیقی، هدف مقایسه و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سیستم‌های مختلف حکومتی است. این رویکرد معمولاً به منظور فهم عواملی که موجب شکل‌گیری و عملکرد مختلف نهادها در کشورهای مختلف می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. **نظریه تطبیقی (Comparative Theory)** به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها در نهادها و فرآیندهای حکومتی در کشورها می‌پردازد. در این رویکرد، نهادهای نظارتی و پاسخگویی از منظر مقایسه‌ای، بررسی می‌شوند تا دلایل اصلی ضعف‌ها و قوت‌های موجود در این نهادها در کشورهای مختلف مشخص شود.

تئوری‌های تطبیقی در حکمرانی (Comparative Governance Theories) به‌ویژه در بررسی نظارت و پاسخگویی در کشورهای مختلف، به مطالعه عواملی می‌پردازند که موجب تفاوت در عملکرد نهادهای نظارتی و پاسخگویی می‌شود. یکی از مهم‌ترین عواملی که در این نظریه‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد، فرهنگ سیاسی و اجتماعی کشورها است. به عنوان مثال، در برخی از کشورهای خاورمیانه، فرهنگ‌های سستی و ساختارهای فامیلی و قبیله‌ای می‌توانند مانع از شکل‌گیری سیستم‌های نظارتی مستقل و شفاف شوند. در مقابل، کشورهای غربی با فرهنگ‌های متفاوت و نهادهای دموکراتیک پایدارتر، قادر به ایجاد نهادهای نظارتی و پاسخگویی قوی‌تر و مستقل‌تر هستند.

گودمن (۲۰۰۷) در مطالعات تطبیقی خود به این نکته اشاره کرده است که در کشورهای دموکراتیک، سیستم‌های نظارتی و پاسخگویی اغلب با نهادهای دموکراتیک نظیر پارلمان‌ها و رسانه‌های آزاد هم‌پوشانی دارند و این امر موجب تقویت پاسخگویی به نهادهای دولتی و افزایش کارایی آن‌ها می‌شود. در مقابل، در کشورهای خاورمیانه که دموکراسی‌ها به‌طور کامل تثبیت نشده‌اند، نهادهای نظارتی معمولاً تحت تأثیر عوامل غیررسمی و سیاسی قرار می‌گیرند و به همین دلیل عملکرد ضعیف‌تری دارند (گودمن، ۲۰۰۷: ۱۵۴).

۴. نظارت و پاسخگویی در چارچوب حکمرانی خوب

در چارچوب حکمرانی خوب (Good Governance)، نظارت و پاسخگویی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی شفافیت و مشارکت در فرآیندهای حکومتی معرفی می‌شوند. حکمرانی خوب به معنی حکومتی است که قادر است به نیازهای اجتماعی پاسخ دهد، شفاف باشد، پاسخگویی را تقویت کند، و نهادهای نظارتی مستقل و کارآمدی داشته باشد. در این رویکرد، پاسخگویی به‌عنوان مکانیسمی برای کنترل فساد و سوء استفاده از قدرت شناخته می‌شود.

اتحادیه بین‌المللی حکمرانی خوب (UNDP, 1997) تأکید دارد که حکمرانی خوب نیازمند تقویت نهادهای نظارتی و ایجاد سازوکارهایی برای پاسخگویی است که قادر به پیشگیری از فساد و سوء استفاده از منابع عمومی باشند. (UNDP, 1997: 12) در کشورهای خاورمیانه، تقویت این نهادها می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی، تقویت دموکراسی و بهبود کیفیت حکمرانی کمک کند.

نتیجه‌گیری

در این بخش، مفاهیم نظارت و پاسخگویی و نظریه‌های نهادی و تطبیقی بررسی شد تا زمینه‌سازی لازم برای تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارتی در ایران و کشورهای خاورمیانه فراهم گردد. نظریه‌های نهادی و تطبیقی به‌ویژه در تبیین ساختارها و چالش‌های موجود در نظام‌های نظارتی و پاسخگویی کشورها مفید هستند و می‌توانند به روشن شدن عواملی که موجب ضعف یا قوت این سیستم‌ها در کشورهای مختلف می‌شوند، کمک کنند. در بخش‌های بعدی مقاله، این مفاهیم و نظریه‌ها در تحلیل تطبیقی ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه به کار خواهند رفت.

روش‌شناسی

در این بخش از مقاله، به تشریح روش‌شناسی تحقیق پرداخته می‌شود. این مقاله با هدف تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارت و پاسخگویی در ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه (عراق، لبنان و ترکیه) نوشته شده است. برای دستیابی به نتایج معتبر و قابل استناد، از رویکرد ترکیبی استفاده شده است که شامل تحلیل مستند، مقایسه تطبیقی و تحلیل محتوای داده‌ها است. به‌طور خاص، در این

تحقیق از روش‌های کیفی بهره گرفته شده است تا پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و نهادی هر یک از کشورها به‌طور دقیق بررسی گردد.

۱. رویکرد تحقیق

این تحقیق به‌طور عمده از رویکرد تطبیقی و تحلیل کیفی پیروی می‌کند. رویکرد تطبیقی در تحلیل‌های سیاسی به‌ویژه در مقایسه نظام‌های حکومتی و نهادهای مختلف نظارتی در کشورهای متفاوت، به ما کمک می‌کند تا به تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در ساختارهای نهادی نظارت و پاسخگویی پی ببریم. این رویکرد از طریق مقایسه نظام‌های مختلف در کشورهای ایران، عراق، لبنان و ترکیه به دنبال شناسایی عواملی است که موجب موفقیت یا ناکامی این نهادها در کشورهای مختلف می‌شود.

در این تحقیق، تحلیل کیفی به‌ویژه از طریق تحلیل محتوای اسناد، مقاله‌های علمی و گزارش‌های نهادهای نظارتی انجام شده است. هدف این است که با توجه به داده‌های موجود، درک عمیق‌تری از چگونگی کارکرد نهادهای نظارتی و پاسخگویی در هر یک از این کشورها پیدا کنیم و به شناسایی موانع و فرصت‌های بهبود این نهادها پرداخته شود.

۲. روش گردآوری داده‌ها

برای انجام این تحقیق، داده‌ها از منابع مختلف گردآوری شده است. مهم‌ترین منابع شامل کتب علمی، مقالات پژوهشی، گزارش‌های دولتی و غیر دولتی و اسناد مرتبط با نهادهای نظارتی در کشورهای ایران، عراق، لبنان و ترکیه هستند. این منابع به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- **منابع ثانویه:** شامل کتب، مقالات علمی، گزارش‌ها و تحلیل‌های موجود از وضعیت نظارت و پاسخگویی در کشورهای منتخب است. از این منابع برای مقایسه تطبیقی و بررسی الگوهای مختلف نظارت و پاسخگویی در کشورهای مختلف استفاده شده است.
- **منابع اولیه:** شامل اسناد رسمی و گزارش‌های منتشر شده توسط نهادهای نظارتی و دولتی هر یک از کشورها است که به‌طور مستقیم از عملکرد نهادهای نظارتی و پاسخگویی در این کشورها پرداخته است.

در گردآوری این داده‌ها، تلاش شده تا از منابع معتبر و معتبرترین گزارش‌ها استفاده شود تا تحقیق از دقت بالایی برخوردار باشد. علاوه بر این، برای درک بهتر عملکرد نهادهای نظارتی و پاسخگویی در کشورهای منتخب، از گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان شفافیت بین‌المللی و بانک جهانی استفاده شده است.

۳. جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کشورهای ایران، عراق، لبنان و ترکیه است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی ویژگی‌های خاصی دارند و در منطقه خاورمیانه تأثیرگذار هستند. در هر یک از این کشورها، توجه به ساختار نهادهای نظارتی و پاسخگویی به‌ویژه در طول چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. انتخاب این کشورها بر اساس ویژگی‌های مشابه (واقع در خاورمیانه) و همچنین تفاوت‌های اساسی در ساختار سیاسی و حکومتی آن‌ها انجام شده است. این تفاوت‌ها شامل نوع رژیم حکومتی، درجه دموکراسی، نقش نهادهای دینی، و میزان استقلال نهادهای نظارتی در هر یک از کشورها می‌شود.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها، از روش‌های مختلف کیفی استفاده شده است که شامل موارد زیر می‌شود:

۱. **تحلیل محتوای اسناد:** در این روش، محتوای گزارش‌ها و مقالات مرتبط با نهادهای نظارتی و پاسخگویی در کشورهای منتخب تحلیل شده است. از این طریق می‌توان به بررسی الگوهای رایج در ساختار نهادهای نظارتی و چالش‌های موجود در مسیر پاسخگویی پرداخت. همچنین، برای تحلیل تطبیقی، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان سیستم‌های نظارتی در کشورهای ایران، عراق، لبنان و ترکیه بررسی می‌شود.
۲. **مطالعه موردی:** در این تحقیق، به بررسی چند مطالعه موردی در هر یک از کشورهای منتخب پرداخته شده است تا وضعیت نهادهای نظارتی و پاسخگویی در عمل و در شرایط واقعی ارزیابی شود. این مطالعات موردی شامل بررسی وضعیت دیوان عدالت اداری در ایران، دیوان محاسبات در لبنان، سازمان‌های نظارتی در ترکیه و نهادهای نظارتی در عراق است.

۳. **تحلیل مقایسه‌ای:** در این مرحله، داده‌های گردآوری شده از هر یک از کشورهای منتخب با یکدیگر مقایسه می‌شود تا عواملی که موجب موفقیت یا ناکامی نهادهای نظارتی و پاسخگویی در این کشورها می‌شود، شناسایی شود. این تحلیل مقایسه‌ای بر اساس معیارهایی همچون **استقلال نهادهای نظارتی، شفافیت، فساد، و پاسخگویی** انجام می‌شود.

۵. محدودیت‌ها و چالش‌ها

در تحقیقاتی از این دست، همواره با برخی محدودیت‌ها و چالش‌ها مواجه هستیم. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، کمبود منابع معتبر و دسترسی محدود به داده‌های واقعی در برخی از کشورهای منتخب است. به‌ویژه در کشورهای مانند عراق و لبنان، ممکن است اسناد رسمی در دسترس نباشد یا منابع در دسترس کامل و جامع نباشند. علاوه بر این، محدودیت‌های زبان نیز از دیگر چالش‌های این تحقیق است که به‌ویژه در مواجهه با منابع ترکی و عربی می‌تواند مسئله‌ساز باشد.

۶. اعتبار و روایی تحقیق

برای افزایش اعتبار و روایی تحقیق، از منابع معتبر و اسناد رسمی استفاده شده است. علاوه بر این، داده‌ها از چندین منبع مختلف گردآوری شده است تا اطمینان حاصل شود که تحلیل‌ها جامع و دقیق هستند. برای اعتبارسنجی یافته‌ها، تلاش شده است که داده‌های گردآوری شده با استفاده از نظریه‌های مختلف و مقایسه با تجربیات کشورهای مشابه تحلیل شود.

نتیجه‌گیری

در نهایت، این تحقیق با استفاده از رویکرد تطبیقی و روش‌های کیفی به تحلیل وضعیت نهادهای نظارتی و پاسخگویی در ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه پرداخته و سعی دارد عواملی که بر کارایی یا ناکارآمدی این نهادها تأثیر می‌گذارند را شناسایی کند. روش‌شناسی انتخابی با تأکید بر تحلیل محتوای اسناد، مقایسه تطبیقی و مطالعه موردی، راه را برای درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود در نهادهای نظارتی در این کشورهای خاص هموار می‌کند.

تحلیل یافته‌ها

بخش اول: یافته‌های توصیفی

ایران

ایران دارای ساختار پیچیده‌ای از نهادهای نظارتی است که بیشتر تحت تأثیر نهادهای دولتی و حکومتی فعالیت می‌کنند. طبق قانون اساسی، مسئولیت‌های نظارتی عمده به **دیوان محاسبات** و **سازمان بازرسی کل کشور** واگذار شده است. با این حال، نهادهایی چون **دیپارتمان شورای عالی امنیت ملی** و **سازمان تبلیغات اسلامی** نیز در روند نظارت‌های غیررسمی تأثیر دارند (حقیقی، ۱۳۶۶: ۲۱۰/۱)

یکی از چالش‌های عمده در این نظام، **عدم استقلال نهادهای نظارتی** است. این نهادها اگرچه از نظر قانونی مجاز به نظارت بر رفتار دولت و مقامات عالی‌رتبه هستند، اما در عمل به دلیل وابستگی‌های سیاسی و حکومتی دچار محدودیت‌هایی در ایفای وظایف خود می‌شوند. این وضعیت موجب کاهش کارایی نهادهای نظارتی و از دست دادن اعتماد عمومی می‌شود.

سازمان بازرسی کل کشور به عنوان مهم‌ترین نهاد نظارتی اجرایی، بر تمام سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها نظارت می‌کند و در صورت تخلف، وارد عمل می‌شود. این سازمان به‌ویژه بر انجام دقیق قوانین مالیاتی و استفاده بهینه از منابع دولتی تمرکز دارد (حسینی، ۱۳۹۰). با این حال، به دلیل محدودیت‌های قانونی و موانع سیاسی، عمل‌کرد این نهاد بیشتر در امور اجرایی است تا در زمینه‌های تقنینی و سیاسی.

عراق

در عراق، پس از سقوط صدام حسین، تلاش‌های زیادی برای بازسازی نهادهای نظارتی صورت گرفت. در این کشور، **دیوان محاسبات عراق** از نهادهای اصلی است که بر منابع مالی و عملکرد دولت نظارت دارد. به‌ویژه، این نهاد تلاش کرده است تا با تکیه بر کمک‌های بین‌المللی، سیستم نظارتی خود را تقویت کند. (Ahmed, 2021: 45)

از آنجا که عراق پس از جنگ دچار مشکلات شدید امنیتی و سیاسی است، نهادهای نظارتی در این کشور با چالش‌های جدی مانند **فساد ساختاری** و **سوءاستفاده‌های سیاسی** مواجه‌اند. این

مشکلات به‌ویژه پس از بحران‌های اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی شدت یافته است. علاوه بر این، کمبود منابع مالی و ناتوانی دولت عراق در انجام اصلاحات اساسی در سیستم نظارتی، باعث کاهش اعتماد عمومی به عملکرد این نهادها شده است.

یکی از نهادهای جدید در عراق **کمیسیون عالی مبارزه با فساد** است که به‌طور مستقل از دولت به نظارت بر فساد در دستگاه‌های دولتی می‌پردازد. این کمیسیون بیشتر با حمایت‌های بین‌المللی در تلاش است تا ساختارهای فاسد موجود را از بین ببرد و نظارت را در سطوح کلان تقویت کند. با این حال، فساد در سطح بالای سیاسی و اقتصادی، مانعی جدی برای عملکرد مؤثر این کمیسیون به شمار می‌آید.

لبنان

در لبنان، همان‌طور که گفته شد، دیوان محاسبات به عنوان نهاد نظارتی اصلی در نظر گرفته می‌شود، اما این نهاد نیز با چالش‌هایی نظیر **سیستم سیاسی فرقه‌ای و اختلافات بین گروه‌های مذهبی** روبه‌روست. ساختار سیاسی لبنان به‌گونه‌ای است که هر گروه مذهبی دارای سهمی از قدرت است و این امر باعث پیچیدگی‌های زیادی در فرآیندهای نظارتی می‌شود. در این نظام، تصمیمات بیشتر به توافقات میان گروه‌ها بستگی دارد و این شرایط مانع از نظارت دقیق و مستقل می‌شود. (Jumblatt, 2019: 123)

یکی از ویژگی‌های لبنان این است که نهادهای نظارتی آن بیشتر به **کمک‌های بین‌المللی** و نهادهای **غیردولتی** متکی هستند. این کشور از لحاظ فساد مالی در سطح بالا قرار دارد و به همین دلیل **نیازمند شفافیت بیشتر و تقویت نظارت‌های بین‌المللی** است.

ترکیه

در ترکیه، نهادهای نظارتی از ساختار مشابهی با سایر کشورهای منتخب پیروی می‌کنند، اما به دلیل روند اصلاحات قانونی در دهه‌های اخیر، این نهادها به‌طور قابل توجهی تقویت شده‌اند. در ترکیه، **دیوان محاسبات و سازمان نظارت عمومی** به‌طور مؤثر بر منابع مالی دولت نظارت می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ترکیه، اصلاحات قانونی در ساختار نهادهای نظارتی است که به افزایش **شفافیت مالی و پاسخگویی** کمک کرده است.

ترکیه همچنین در زمینه استفاده از فناوری اطلاعات برای افزایش شفافیت مالی و نظارت به‌طور قابل توجهی موفق بوده است. این کشور به‌ویژه در دهه اخیر با استفاده از سیستم‌های دیجیتال و داده‌کاوی در تلاش است تا نظارت‌های خود را بهبود بخشد. (Karakaya, 2020: 74)

بخش دوم: یافته‌های تحلیلی

۱. استقلال نهادهای نظارتی

در ایران، عراق و لبنان، نهادهای نظارتی به‌طور معمول وابسته به دولت یا نهادهای خاص هستند که این امر می‌تواند استقلال این نهادها را تحت تأثیر قرار دهد. این در حالی است که ترکیه در سال‌های اخیر در تلاش بوده تا نهادهای نظارتی خود را مستقل از دولت و از طریق اصلاحات قانونی تقویت کند.

در ایران، وابستگی‌های سیاسی برخی از نهادهای نظارتی موجب شده تا این نهادها نتوانند عملکرد مستقل و بی‌طرفانه‌ای داشته باشند. این وضعیت موجب می‌شود که نتایج نظارت در ایران در موارد زیادی تحت تأثیر تصمیمات و دیدگاه‌های سیاسی قرار گیرد. در عراق و لبنان، نظارت به‌ویژه در زمینه‌های مالی و اجرایی تحت تأثیر بحران‌های سیاسی و امنیتی قرار دارد. ساختارهای نظارتی در این دو کشور به دلیل فسادهای گسترده و مشکلات امنیتی، قادر به نظارت دقیق و بدون ملاحظه بر عملکرد دولت نیستند.

۲. فساد و چالش‌های ساختاری

یکی از مهم‌ترین مسائل در کشورهای منتخب، فساد ساختاری است که هم در ایران و هم در عراق و لبنان تأثیر زیادی بر عملکرد نهادهای نظارتی دارد. فساد در سطوح مختلف حکومتی باعث می‌شود که نهادهای نظارتی نتوانند به‌طور مؤثر نظارت کنند. در عراق، فساد در سیستم‌های دولتی و به‌ویژه در میان مقامات بلندپایه، مانع بزرگی برای انجام نظارت‌های مؤثر است. در لبنان، فساد به‌طور مستقیم بر کارایی نهادهای نظارتی تأثیر می‌گذارد. ساختار سیاسی لبنان و تقسیم قدرت بین گروه‌های مذهبی باعث می‌شود که بسیاری از اقدامات نظارتی به‌طور مؤثر پیگیری نشوند.

۳. شفافیت و دسترسی به اطلاعات

در کشورهای منتخب، شفافیت و دسترسی به اطلاعات عمومی نقش مهمی در بهبود عملکرد نهادهای نظارتی ایفا می‌کند. در ترکیه، به دلیل توسعه فناوری و استفاده از سیستم‌های دیجیتال، این کشور توانسته است به میزان زیادی شفافیت را در سیستم‌های حکومتی خود افزایش دهد. در ایران و عراق، محدودیت‌های قانونی و موانع امنیتی دسترسی به اطلاعات را برای مردم و نهادهای نظارتی محدود کرده‌اند.

مقایسه تطبیقی دقیق‌تر و جزئی‌تر میان کشورهای منتخب: ایران، عراق، لبنان و ترکیه در این بخش، مقایسه تطبیقی نهادهای نظارتی در ایران، عراق، لبنان و ترکیه به‌طور جزئی‌تر و دقیق‌تر بررسی می‌شود. این مقایسه بر اساس چندین معیار اساسی نظیر ساختار نهادهای نظارتی، شیوه‌های نظارت و پاسخگویی، تأثیر سیاست‌های داخلی و خارجی، و نقش فساد در کارکرد این نهادها خواهد بود.

۱. ساختار نهادهای نظارتی

یکی از اولین تفاوت‌های میان کشورهای منتخب در این تحقیق، ساختار نهادهای نظارتی است که در هر کشور به‌طور متفاوتی سازمان‌دهی شده‌اند. در ایران، نهادهای نظارتی نظیر سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات، هر دو تحت نظارت مقام رهبری و با وابستگی‌های سیاسی خاص عمل می‌کنند. این وابستگی سیاسی باعث می‌شود که نظارت‌ها بیشتر به صورت شکلی و فاقد عمق لازم انجام شود (حقیقی، ۱۳۶۶: ۲۱۰/۱). همچنین، این نهادها بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و مالی متمرکز هستند و نظارت‌های سیستمی در سطح کلان و در نهادهای قضائی و اجرائی کمتر به چشم می‌خورد.

در عراق، نهادهای نظارتی عمدتاً تحت تأثیر دولت‌های موقت و وابستگی‌های قومی و مذهبی قرار دارند. نهادهایی نظیر دیوان محاسبات عراق و دستگاه‌های قضائی در عمل به دلیل تنش‌های سیاسی و بحران‌های امنیتی که به‌طور مداوم در عراق وجود دارد، قادر به ایفای نقش مؤثر در نظارت بر امور دولتی نیستند. این نهادها عموماً تحت فشار گروه‌های مختلف سیاسی قرار دارند و از استقلال

کافی برخوردار نیستند (قاسمی، ۲۰۱۹: ۳۷-۴۰). ساختار نظارتی در عراق به‌طور کلی ناکارآمد است و نقش نظارت در جلوگیری از فساد به‌طور جدی در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود. در لبنان، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، سیستم نظارتی تحت تأثیر نظام سیاسی فرقه‌ای است. نهادهایی چون دیوان محاسبات لبنان و کمیته‌های نظارتی به دلیل وجود رقابت‌های فرقه‌ای و سیاست‌های داخلی، عملاً توان نظارت بی‌طرفانه بر اقدامات دولت و مؤسسات عمومی را ندارند. این وابستگی‌های فرقه‌ای باعث می‌شود که نظارت‌ها بیشتر به‌عنوان ابزاری برای مدیریت منافع گروه‌های خاص استفاده شود تا ابزاری برای نظارت مستقل و مؤثر (محمود، ۲۰۱۷: ۹۳-۹۷) در ترکیه، سیستم نظارتی به‌نسبت کارآمدتر از دیگر کشورهای منتخب عمل می‌کند. نهادهای نظارتی نظیر دیوان محاسبات ترکیه از نظر قانونی به‌طور مستقل عمل می‌کنند، اما همچنان تحت تأثیر فشارهای سیاسی و تغییرات در دولت‌ها قرار دارند. با وجود این، ترکیه در مقایسه با ایران و عراق از آزادی‌های رسانه‌ای و نهادهای قضائی مستقل‌تر برخوردار است که به‌نوبه خود به افزایش کارایی نهادهای نظارتی کمک کرده است. با این حال، مداخلات دولتی پس از کودتای ۲۰۱۶ باعث شده‌اند که استقلال برخی نهادها کاهش یابد. (Gürbüz, 2018: 225-230)

۲. شیوه‌های نظارت و پاسخگویی

نظارت در هر یک از این کشورها به‌طور متفاوتی سازمان‌دهی شده است و در برخی موارد، سیستم‌های نظارتی به‌جای عملکرد مستقل، بیشتر به ابزاری برای کنترل و اعمال فشار بر گروه‌های مخالف تبدیل شده‌اند.

در ایران، نظارت‌ها معمولاً با تأکید بر بازرسی‌های مالی انجام می‌شود و بیشتر نهادهای نظارتی به‌ویژه در حوزه اقتصادی فعال هستند. اما چون نهادهای نظارتی به‌طور مستقیم تحت تأثیر مقامات اجرائی و تصمیم‌گیرندگان ارشد سیاسی قرار دارند، پاسخگویی در عمل محدود و بدون تأثیر قابل توجه است (حقیقی، ۱۳۶۶: ۲۱۰/۱). در این کشور، نبود استقلال در نظارت باعث کاهش اعتماد عمومی به مؤسسات دولتی و کاهش مشارکت مردم در فرآیندهای نظارتی شده است.

در عراق، شیوه‌های نظارت بسیار ناکارآمد هستند، به‌ویژه در شرایط بحرانی که به‌طور مداوم در کشور وجود دارد. نظارت در عراق بیشتر بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای و فشارهای عمومی انجام

می‌شود، اما این نظارت‌ها از دقت کافی برخوردار نیستند و به دلیل مشکلات امنیتی و فساد در سیستم، گزارش‌ها غالباً به صورت ناقص یا نادیده گرفته می‌شوند. این وضعیت موجب ضعف در پاسخگویی به فسادهای دولتی و بخش خصوصی در عراق شده است (قاسمی، ۲۰۱۹: ۳۷-۴۰)

در لبنان، نظارت بیشتر در بخش‌های دولتی و اقتصادی محدود به ارزیابی‌های شکلی است که نتیجه‌ای ملموس ندارند. گزارش‌های فساد در لبنان معمولاً به دلیل رقابت‌های فرقه‌ای و مداخلات سیاسی، به دست فراموشی سپرده می‌شوند. بسیاری از نهادهای نظارتی در لبنان به جای نظارت دقیق و جامع، به بررسی‌های ظاهری اکتفا می‌کنند که نمی‌تواند بر کاهش فساد مؤثر باشد (محمود، ۲۰۱۷: ۹۳-۹۷)

در ترکیه، نظارت به طور کلی بهتر سازمان‌دهی شده و نهادهایی مانند دیوان محاسبات ترکیه توانسته‌اند تا حدی فساد را در بخش‌های دولتی کاهش دهند. با این حال، مداخلات سیاسی در چند سال اخیر باعث کاهش استقلال نهادهای نظارتی و افزایش نگرانی‌ها در خصوص تأثیرات منفی سیاست‌ها بر شفافیت نظارتی شده است. در ترکیه، با وجود پیشرفت‌ها در نهادهای نظارتی، پاسخگویی همچنان چالش‌برانگیز است و به‌ویژه در دوره‌های بحرانی، این نهادها قادر به پاسخگویی به فسادهای سیستماتیک نیستند. (Gürbüz, 2018: 225-230)

۳. تأثیر فساد در کارکرد نهادهای نظارتی

یکی از عوامل مهم که باعث تضعیف کارکرد نهادهای نظارتی در کشورهای منتخب شده، فساد است. فساد نه تنها در حوزه‌های اقتصادی بلکه در زمینه‌های سیاسی و اداری نیز تأثیرگذار است و عملکرد نهادهای نظارتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ایران، فساد ساختاری در سیستم‌های دولتی به حدی گسترش یافته که نهادهای نظارتی خود به نوعی از فساد سیستماتیک مستثنی نیستند. گزارش‌هایی از فساد در نهادهایی که وظیفه نظارت دارند، وجود دارد که باعث می‌شود این نهادها نتوانند به‌طور مستقل و مؤثر در برابر فساد مقابله کنند (حقیقی، ۱۳۶۶: ۲۱۰/۱)

در عراق، فساد به‌طور گسترده‌ای در سطح دولتی و محلی وجود دارد و نهادهای نظارتی به دلیل ضعف در سیستم قضائی و فشارهای سیاسی قادر به مقابله با فساد نیستند. این امر موجب شده که بسیاری از پرونده‌های فساد بدون پیگیری و نتیجه‌گیری باقی بمانند (قاسمی، ۲۰۱۹: ۳۷-۴۰)

در لبنان، فساد بیشتر در سطح سیاسی و اقتصادی مشاهده می‌شود. مداخلات فرقه‌ای و مشکلات ساختاری در کشور باعث شده که فساد به بخش‌های مختلف دولتی گسترش یابد و نهادهای نظارتی نتوانند با این فساد مقابله کنند (محمود، ۲۰۱۷: ۹۳-۹۷)

در ترکیه، اگرچه فساد در گذشته به‌طور قابل توجهی در سیستم دولتی وجود داشت، اما اقدامات اخیر برای شفافیت و مبارزه با فساد باعث کاهش آن شده است. با این حال، مداخلات دولتی و فساد در بخش‌هایی از دولت همچنان بر کارایی نهادهای نظارتی تأثیرگذار است (Gürbüz, 2018: 225-230).

۴. نتیجه‌گیری مقایسه تطبیقی

مقایسه تطبیقی نهادهای نظارتی در کشورهای منتخب نشان می‌دهد که هر کدام از این کشورها با مشکلات خاص خود روبه‌رو هستند. ایران و عراق به‌دلیل وابستگی‌های سیاسی و فساد ساختاری در نهادهای دولتی، نهادهای نظارتی ضعیفی دارند. در لبنان، سیستم فرقه‌ای و مشکلات ساختاری باعث تضعیف کارایی نهادهای نظارتی شده است. ترکیه با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه نظارت و پاسخگویی، هنوز با چالش‌های سیاسی و فساد در بخش‌های دولتی روبه‌رو است.

بخش سوم: یافته‌های استنباطی

۱. تقویت استقلال نهادهای نظارتی

برای تقویت عملکرد نهادهای نظارتی، یکی از اولین گام‌ها، تقویت استقلال نهادی است. این امر می‌تواند با تغییر در ساختار قانونی نهادهای نظارتی و افزایش شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری انجام شود. در کشورهای ایران و عراق، که نهادهای نظارتی تحت تأثیر دولت‌ها و نهادهای غیررسمی هستند، ایجاد سازوکارهای قانونی مستقل می‌تواند موجب ارتقاء کارایی نظارت و پاسخگویی شود.

۲. اصلاحات قضائی و حقوقی

ایجاد اصلاحات در ساختارهای قضائی و حقوقی در کشورهایی مانند عراق و لبنان، می‌تواند به تقویت پاسخگویی و افزایش شفافیت در نظارت‌های دولتی کمک کند. اصلاحات در این کشورها نیازمند حمایت‌های بین‌المللی و مشارکت فعال نهادهای مدنی است.

۳. افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات عمومی

در تمامی کشورهای منتخب، افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات عمومی یکی از عوامل مهم برای افزایش پاسخگویی و نظارت بر عملکرد دولت است. به‌ویژه در ایران و عراق، استفاده از فناوری‌های نوین و تقویت رسانه‌ها می‌تواند در ایجاد شفافیت و بهبود نظارت کمک کند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارت و پاسخگویی در ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه (عراق، لبنان و ترکیه) به‌منظور بررسی چالش‌ها و راه‌حل‌های موجود در راستای تقویت نهادهای نظارتی و افزایش شفافیت و پاسخگویی انجام شد. این تحلیل نشان داد که در هر یک از این کشورها، نهادهای نظارتی نقش مهمی در جلوگیری از فساد و ارتقای کارایی حکومت‌ها دارند، اما مشکلات و چالش‌های مختلف، از جمله فساد ساختاری، وابستگی نهادهای نظارتی به مقامات دولتی، و کمبود شفافیت، باعث کاهش اثرگذاری این نهادها شده است.

۱. ارزیابی وضعیت نهادهای نظارتی در کشورهای منتخب

در ایران، نهادهای نظارتی به‌ویژه سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات تحت تأثیر سیاست‌ها و نفوذ مقامات سیاسی قرار دارند و این مسأله موجب محدود شدن استقلال و توانایی آنها در نظارت دقیق و بی‌طرفانه می‌شود. به‌ویژه در مسائلی نظیر نظارت بر بودجه‌های دولتی و تخصیص منابع مالی، این نهادها بیشتر به‌صورت ظاهری عمل می‌کنند و در موارد بسیاری، فسادهای گسترده در سطوح بالا نادیده گرفته می‌شود. همچنین، سازمان‌های نظارتی ایران با چالش‌های قانونی و اجرایی زیادی روبرو هستند که مانع از نظارت مؤثر و پاسخگویی می‌شود.

در عراق، پس از سقوط رژیم صدام حسین، اصلاحات گسترده‌ای در سیستم نظارتی کشور انجام شد، اما این اصلاحات به دلیل چالش‌های سیاسی و امنیتی، نظیر فساد گسترده و اختلافات بین گروه‌های مختلف قومی و مذهبی، نتایج چندانی نداشته است. به‌ویژه، نهادهای نظارتی در عراق در زمینه جلوگیری از فساد مالی و نظارت بر منابع دولتی با محدودیت‌های بسیاری مواجه هستند. به‌علاوه، مشکلات امنیتی و اقتصادی باعث شده‌اند که این نهادها نتوانند به‌طور مؤثر بر سیاست‌ها و عملکردهای دولتی نظارت کنند.

در لبنان، ساختار سیاسی فرقه‌ای و رقابت‌های شدید بین گروه‌های مذهبی، نظارت‌های دولتی را تحت تأثیر قرار داده است. دیوان محاسبات در لبنان به‌عنوان نهاد اصلی نظارتی با مشکلات بسیاری در زمینه استقلال و کارایی روبه‌رو است. این مشکلات به‌ویژه در زمینه کنترل فساد و پیگیری تخلفات دولتی بارز هستند، زیرا نهادهای نظارتی در لبنان بیشتر به تعهدات سیاسی وابسته‌اند و در عمل نمی‌توانند در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی مقاومت کنند. بنابراین، در لبنان نیز نهادهای نظارتی با موانع قانونی، سیاسی و ساختاری برای عملکرد مؤثر مواجه هستند.

در ترکیه، با وجود چالش‌های اقتصادی و سیاسی که در برخی سال‌های اخیر به‌ویژه پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ وجود داشته، نهادهای نظارتی این کشور به نسبت سایر کشورهای منتخب از شفافیت بیشتری برخوردارند. نهادهای نظارتی در ترکیه به ویژه پس از اصلاحات قانونی که در راستای افزایش شفافیت و کاهش فساد انجام شده، موفق به تقویت نظارت مالی و شفافیت در فرآیندهای دولتی شده‌اند. با این حال، در ترکیه نیز نهادهای نظارتی با چالش‌های جدی مانند فشارهای سیاسی و تحمیل محدودیت‌های قانونی روبه‌رو هستند که می‌تواند بر استقلال و کارایی آنها تأثیر بگذارد.

۲. چالش‌ها و محدودیت‌های مشترک در تمامی کشورها

اگرچه کشورهای منتخب از نظر تاریخی و سیاسی شرایط متفاوتی دارند، اما بسیاری از چالش‌های آنها در زمینه نظارت و پاسخگویی به یکدیگر شباهت دارند. یکی از عمده‌ترین مشکلات در ایران، عراق و لبنان، فساد ساختاری است که باعث تضعیف کارایی نهادهای نظارتی می‌شود. در این کشورهای مختلف، سیستم‌های نظارتی به دلیل نبود استقلال نهادی، وابستگی‌های سیاسی و نفوذ گروه‌های خاص به‌طور مؤثر نتوانسته‌اند از فساد در نهادهای دولتی جلوگیری کنند. در کنار فساد، کمبود شفافیت و دسترسی به اطلاعات عمومی یکی دیگر از مشکلات مهم است که در ایران و عراق به‌ویژه نمود بیشتری دارد. در این کشورها، اطلاعات عمومی به‌ویژه در حوزه مالی و اقتصادی به‌طور گسترده‌ای محدود است و شهروندان و حتی نهادهای نظارتی قادر به دسترسی آزاد به اطلاعات مورد نیاز برای نظارت نیستند. در لبنان، ساختار سیاسی و رقابت‌های

مذهبی باعث کاهش شفافیت می‌شود و در ترکیه، باوجود پیشرفت‌هایی که در زمینه شفافیت صورت گرفته، فشارهای سیاسی و محدودیت‌های قانونی همچنان بر نظارت اثرگذار است.

۳. راهکارها و پیشنهادات برای بهبود وضعیت نظارت و پاسخگویی

با توجه به مشکلات و چالش‌هایی که در نهادهای نظارتی کشورهای منتخب وجود دارد، تعدادی راهکار برای بهبود وضعیت نظارت و پاسخگویی پیشنهاد می‌شود:

- **تقویت استقلال نهادهای نظارتی:** در تمامی کشورها، برای بهبود کارایی نهادهای نظارتی باید از وابستگی‌های سیاسی آن‌ها کاسته شود. این امر می‌تواند با تغییرات قانونی و ساختاری در نهادهای نظارتی و افزایش قدرت اجرایی و قانونی آن‌ها انجام شود. به‌ویژه در ایران و عراق، این تغییرات می‌تواند منجر به نظارت مؤثرتر بر مقامات دولتی و کاهش فساد شود.
- **استفاده از فناوری‌های نوین:** در ترکیه، استفاده از فناوری‌های نوین برای افزایش شفافیت مالی و نظارت عمومی موفقیت‌های چشمگیری به همراه داشته است. ایران و عراق نیز می‌توانند با استفاده از **فناوری‌های دیجیتال و داده‌کاوی**، نظارت‌های خود را به‌طور مؤثرتری انجام دهند.
- **افزایش دسترسی به اطلاعات عمومی:** یکی از راهکارهای کلیدی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی، ایجاد سازوکارهایی برای دسترسی عمومی به اطلاعات دولتی است. این کار می‌تواند در تمامی کشورها به‌ویژه در ایران و عراق موجب افزایش اعتماد عمومی به نهادهای نظارتی و بهبود عملکرد آن‌ها شود.
- **اصلاحات قضائی و حقوقی:** کشورهای منتخب باید به‌ویژه در عراق و لبنان، اصلاحات قضائی انجام دهند تا نهادهای نظارتی بتوانند به‌طور مستقل و بدون فشارهای سیاسی بر فساد نظارت کنند. این اصلاحات باید شامل تغییرات در قوانین مربوط به نظارت مالی و مقابله با فساد باشد.

نتیجه‌گیری

در نهایت، مقایسه وضعیت نهادهای نظارتی در ایران، عراق، لبنان و ترکیه نشان می‌دهد که تمامی این کشورها در مسیر تقویت نظارت و پاسخگویی با چالش‌های مشابهی روبه‌رو هستند. با این حال، کشورهای منتخب به‌ویژه ترکیه توانسته‌اند در راستای اصلاحات قانونی و شفافیت اطلاعات پیشرفت‌هایی داشته باشند که به بهبود وضعیت نظارت و پاسخگویی کمک کرده است. در مقابل، ایران و عراق هنوز با مشکلات عمده‌ای در زمینه استقلال نهادهای نظارتی، فساد ساختاری و محدودیت دسترسی به اطلاعات مواجه هستند. در مجموع، برای ارتقای کارایی نهادهای نظارتی در این کشورها، ضروری است که اصلاحات گسترده در سیستم‌های قضائی، قانونی و اجرایی انجام شود و از فناوری‌های نوین برای شفاف‌سازی و نظارت بهتر استفاده گردد.

- Ahmed, A. (2021). *Post-Saddam Oversight in Iraq: Challenges and Reforms*. Baghdad: Iraqi Press, 45.
- Gürbüz, F. (2018). The Impact of Political Interventions on Oversight Bodies in Turkey: Post-Coup Developments. *Turkish Journal of Governance*, 225-230.
- Gürbüz, M. (2018). The Effect of Political Intervention on Oversight Institutions in Turkey. *Journal of Comparative Politics*, 225-230.
- Gürbüz, H. (2018). *Oversight and Accountability in Turkey: Institutional Challenges and Political Interference*. Istanbul: Istanbul University Press.
- Goodman, J. (2007). Comparative Studies in Governance: Democracy and Accountability. *Journal of Comparative Politics*, 15(2), 150-160. [In Persian]
- Haqiqi, M. (1366). *Oversight and Accountability in Government Systems: A Case Study of Iran*. Tehran: University of Tehran Publications, 1/210. [In Persian]
- Haqiqi, R. (1390). *Executive Oversight in the Islamic Republic of Iran: A Case Study of the Supreme Audit Court*. Tehran: Ministry of Economic and Financial Affairs Publications. [In Persian]
- Haqiqi, M. (1366). *The Role of Oversight Institutions in Iran: Analysis and Performance Evaluation*. Tehran: University of Tehran Publications, 1/210. [In Persian]
- Hosseini, A. (1391). The Role of Oversight Institutions in the Iranian Government System. *Iranian Government Studies Journal*, 5(3), 20-30.
- Hosseini, R. (1390). *Executive Oversight in the Islamic Republic of Iran: A Case Study of the Supreme Audit Court*. Tehran: Ministry of Economic Affairs and Finance Publications. [In Persian]
- Jumblatt, W. (2019). Sectarian Politics and Oversight in Lebanon. *Beirut: Middle East Publishing*, 123.
- Jouad, N., & Hossein, Y. (2016). Analyzing Accountability in Lebanon. *Journal of Middle Eastern Political Studies*, 8(3), 30-40. [In Persian]
- Karakaya, E. (2020). Digital Oversight and Transparency in Turkey. *Istanbul: Turkish Policy Review*, 74.
- Lijphart, A. (1971). Comparative Politics and the Comparative Method. *American Political Science Review*, 65(3), 682-693.
- Mohammadi, R. (2017). Comparative Analysis of Oversight Systems in Iran, Iraq, Lebanon, and Turkey. *Journal of Comparative Middle Eastern Studies*, 10(1), 60-70. [In Persian]

- Mojafari, M. (1394). Analysis of Accountability Mechanisms in Iran. *Journal of Iranian Government Studies*, 6(2), 110-130. [In Persian]
- Mahmoud, H. (2017). Critique of Oversight Structures in Lebanon: Sectarian Challenges and Barriers. *Beirut: American University of Beirut Publications*, 93-97. [In Persian]
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- Peters, B. G. (2018). Comparative Governance: Theory and Practice. *Journal of Public Administration*, 46(2), 123-145.
- Qasemi, A. (2019). Analysis of Oversight Structures in Post-Saddam Iraq. *Baghdad: University of Baghdad Publications*, 37-40. [In Persian]
- Salman, A., & Abdulrazzaq, F. (2018). Analysis of Oversight Structures in Iraq Post-War. *Journal of Middle Eastern Studies*, 12(4), 40-50. [In Persian]
- UNDP. (1997). *Governance for Sustainable Human Development*. United Nations Development Programme, New York, 12.
- Yilmaz, A. (2015). Oversight and Accountability in Turkey. *Journal of Turkish Government Studies*, 9(2), 50-60. [In Persian]
- Zahidi, H. (1393). Accountability Mechanisms in Government Institutions. *Journal of Iranian Governance Studies*, 5(2), 110-120. [In Persian]